

خربس؛ غارِ رازآمیز مهر

عبدالجلیل مرداسنگی^۱

چکیده

محوطه باستانی خربس در ده کیلومتری جنوب غربی شهر قشم با فاصله‌ی اندک از دریا قرار دارد. در این محوطه، آثار و شواهد باستانی و تاریخی همچون قلعه، گورستان و یک آب‌انبار یافته شده است که دلالت بر مسکونی بودن طولانی مدت این محوطه دارد. در نزدیکی تپه‌های باستانی خربس و در دل کوه، غار طبیعی خربس (که بشر کندوکاوی در آن صورت داده و الحاقاتی بدان افزوده است) قرار دارد. نقل قولهای متفاوت، این دستکندها را متعلق به دوره‌های متفاوتی از ماد تا دوران اسلامی میدانند که گاه آن را معبدی مهری و گاه مأمن و پناهگاهی در مقابل ناامنی و خطرات احتمالی دانسته و برای آن کارکردهای متفاوت نظامی، مسکونی، دفاعی، مذهبی و... قائل بوده‌اند. در این جستار به معرفی و بحث و بررسی این غار صخره‌یی و معماری ویژه آن و همچنین تاریخ سکونت بشر در جزیره قشم به روش پژوهش کتابخانه‌یی، بررسی مطالعات باستان‌شناسی و بازدید و بررسی میدانی از محل پرداخته میشود. براساس یافته‌ها و نتایج حاصل از این پژوهش، به احتمال زیاد این غار، همراهی متعلق به دوران باستان بوده که در دوره‌های بعد، از آن بعنوان یک پناهگاه و مخفیگاه در برابر خطرات ناشی از ناامنیها استفاده میشده است.

کلیدواژگان

جزیره قشم؛ تپه خربس؛ غار خربس؛ خلیج فارس؛ معماری دستکند؛ مهرپرستی

مقدمه

نزدیکی به سرزمین مادر، وجود بندرگاههای مناسب برای دریانوردی، ذخائر دریایی قابل توجه برای صید و همچنین امکان تأمین آب شرب کافی، قشم را به مکانی ایده‌آل برای سکونت انسان تبدیل کرده است. این شرایط در طول تاریخ، قشم را مطمحنظر حکومت‌های ایرانی و غیرایرانی، استعمارگران غربی و همچنین غارتگرانی چون جواسم قرار داد. سابقه حضور بشر در این جزیره، به عصر مفرغ برمیگردد (خسروزاده، ۱۳۹۲: ۹۶) و این جزیره در طول تاریخ همواره مسکونی و آباد بوده است. از جمله سکونتگاههای اولیه بشر در جزیره قشم محوطه باستانی «خربس»^۲ است. در نزدیکی این محوطه و در دل کوههای مشرف به دریا، غار دستکند خربس قرار دارد.

هدف از نگارش این جستار بررسی و کنکاش در منابع گوناگون، پیرامون زمان پیدایش و علل وجودی ایجاد غار دستکند خربس و معرفی این غار دستکند است. در این گفتار پس از بیان مقدمه‌یی کوتاه پیرامون معماری دستکند به معرفی غار خربس میپردازیم. سپس برای فهم بهتر موضوع

2. Khourbas

در اصطلاح عامیانه مردم قشم این غار، به غار خربس (Kharbes) مشهور است.

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان، دانشگاه شهید بهشتی؛
mordasangi@gmail.com

طبیعی نیز غیرقابل انکار است (سرفراز، ۱۳۸۱: ۶۴). عوامل متعددی در شکل‌گیری و فرم کالبدی اینگونه سکونتگاهها مؤثر بوده‌اند که مهمترین آنها را میتوان ایدئولوژی، فرهنگ و ارزشها، عوامل محیطی و طبیعی و نیز شیوه معیشت مردم منطقه دانست (حقیقت نائینی، ۱۳۹۱: ۶۱).

غار خربس

محوطه «خربس» در ده کیلومتری جنوب غربی شهر قشم در نزدیکی ساحل جنوبی جزیره قرار دارد. به گفته محققین شهر باستانی خربس از جمله شهرهای بزرگ و آباد دوره ساسانی و از مراکز بزرگ دریایی ارتش ایران بوده است که جهازات بزرگ دریایی ایران در آن لنگر می‌انداختند (بابکراد، ۱۳۵: ۱۹). بنا به قولی، این شهر تا قرن چهارم هجری قمری (رائین، ۱۱۸: ۲۵۳۶) و بنا به روایتی دیگر تا قبل از زلزله سال ۱۳۰۱ هـ.ق آباد و دارای سکنه بوده است (دژگانی، ۱۳۸۴: ۲۷۰).

در فاصله اندکی از بازمانده‌های شهر قدیمی خربس در دل تپه‌های مشرف به دریا غار صخره‌یی خربس خودنمایی میکند. بررسیهای زمین‌شناسی پیرامون این مغاره مبین این است که درون یک تپه مارنی رسی که از سمت دریا بریده و فرسوده شده است، تعدادی حفره و سوارخ بزرگ وجود دارد که تا چندین متر در داخل دیواره ادامه یافته و بعضاً به یکدیگر متصل بوده و یک شبکه را تشکیل میدهند. باتوجه به جنس دیواره‌ها که بطور عمده از «مارن» و «سیلت» هستند، فرسایش، تأثیر زیادی بر آنها داشته و بنظر میرسد حفره‌هایی که آنها را غار مینامند، در ابتدا در اثر عمل امواج بوجود آمده (در زمان مجاورت این دیواره‌ها با دریا) و اندازه‌های محدودی داشته و سپس توسط مردم بومی عمیقتر و بزرگتر شده‌اند. نرمی جنس دیواره‌ها موجب شده است که کار حفر آنها بسهولت انجام پذیرد (امری کاظمی، ۱۳۸۳: ۳۱).

از نمای بیرونی غار خربس، نه روزن در سه ردیف دیده میشود که شش روزن در ردیف بالا، دو روزن در حاشیه و وسط و یک روزن در پایین قرار دارد (تصویر شماره ۱).

به سابقه سکونت در جزیره قشم در دوران باستان پرداخته میشود. در ادامه نیز، در مورد انتساب این غار به دوره مادها بحث میکنیم و در انتها با توجه به معیارهای یک مهرابه، مقایسه‌یی بین غار خربس و مهرابه‌های منتسب به آیین مهر انجام میگردد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی صورت میگردد و شیوه گردآوری اطلاعات در این مقاله به روش پژوهش کتابخانه‌یی و بررسی و بازدید میدانی است.

معماری دستکند

انسان با تأمل در زندگی حیوانات و جانداران مختلف و مشاهده پناه‌بردن آنها به سرپناه‌های طبیعی، اشکفتها و غارها و نیز با مشاهده لانه‌سازی موشهای کور و مورچه‌ها، الگوی مناسبی برای محل زندگی خود در مقابل سرما و گرما، دشمنان و حیوانات درنده یافت. او با شناخت از بستر طبیعی پیرامون و آگاهی از لایه‌های مناسب زمین، بهترین مکانها و لایه‌ها را برای حفر کردن برگزید و با بهره‌گیری از حفره‌های طبیعی موجود و با ایجاد ساخت و سازهایی در آنها، سکونتگاههای مناسبی را برای خود تدارک دید (اشرفی، ۱۳۹۰: ۲۷). انسان پیش از تاریخ در نجد ایران در سوراخهایی که در جوانب پردرخت کوهها حفر و بوسیله شاخه‌های درختان مسقف میشد، زندگی میکرد. همچنین ممکن بود این انسان یکی از غارها یا پناهگاههای سنگی متعدد را که اغلب آنها عبارت از بستر زیرزمینی رودهای کهن بود، بعنوان محل زندگی اشغال کند (گیرشمن، ۱۳۷۵: ۱۰). معماری دستکند نماد و نمونه سازگاری انسان با طبیعت و احترام به آن است که همراه با بهره‌برداری از آن با کمترین دستکاری، ساختار و یکپارچگی منظر زمین حفظ میشود. به همین دلیل سازه‌های معماری دستکند از دوام و پابرجایی بیشتری نسبت به معماری با سازه‌های دیگر در گذر زمان و رویدادها برخوردار بوده‌اند (چوپک، ۱۳۹۱: ۵۰). بناهای معمولی به آسانی بر اثر عوامل طبیعی و گذشت زمان ویران شده و از بین میروند؛ در صورتی که حتی زمین‌لرزه‌ها هم بیشتر مواقع نمیتوانند خسارت و ویرانی چندانی بر معماری صخره‌یی وارد کنند. همین ویران‌نشدن و جاودان‌ماندن معماری صخره‌یی در بازسازی تاریخ تمدن ملتها نقش بزرگی داشته است. اهمیت دفاعی معماری صخره‌یی در مقابل انسان، حیوانات مهاجم و عوامل

جزیره قشم در دوران باستان

برای بررسی قدمت استفاده از غار خریس لازم است در ابتدا به قدمت سکونت در جزیره قشم اشاره شود. در مورد تسلط مادها بر جزایر خلیج فارس، تاکنون نظر قطعی داده نشده است؛ اما بنا به منابع موجود و باتوجه به روایت هرودوت (در ارتباط با تسلط ماد بر پارس و همچنین حضور مادها در امپراتوری هخامنشی و نیز باتوجه به حضور پارسها در کرانه‌های شمالی خلیج فارس)، تسلط ماد بر پارس به معنای گسترش قلمرو سیاسی ماد تا خلیج فارس آشکار خواهد بود (ملازاده، ۱۳۹۳: ۷۰). همانگونه که برخی معتقدند در دوران حکومت آستیاگ، آخرین فرمانروای ماد، جزایر خلیج فارس نیز جزئی از ایالت «درنگیان» بوده‌اند (دیاکونوف، ۱۳۷۹: ۳۱۸).

شواهد تاریخی بر این امر دلالت دارد که با روی کار آمدن هخامنشیان و توسعه قدرت آنان، لزوم توجه به تجارت دریایی و بویژه سواحل و بنادر خلیج فارس، بیش از پیش مطرح شد. اقدامات کوروش، داریوش و خشایارشا، در ایجاد امنیت در نواحی ساحلی و تسهیل مراودات اقتصادی بین سواحل نیز موجب آبادانی و رونق این مناطق شد (وثوقی، ۱۳۸۹: ۲۸). علاوه بر آثار و شواهد باستان‌شناختی که از این دوره در جزیره قشم بدست آمده است (سال، ۱۳۸۸: ۱۸۸)، منابع مکتوب نیز اشاراتی به وجود تمدن و حضور جوامع انسانی در این جزیره داشته‌اند. پدر تاریخ، هرودوت، در کتاب سوم در مبحث عایدات شاهی بیان میکند که داریوش برای تمامی اقوام و طوایف مالیات مقرر داشت و نواحی همجوار را از جهت حسن جریان اداری تابع مرکزی واحد ساخت و اتباع شاه از جهت عایدات و مخارج، محض تسهیل کار، جزء این یا آن ساتراپی شده بودند. در زیرمجموعه ساتراپی چهاردهم، ساگارتیان، زرنگیان (سیستان)، تمانیان، اوتیانها، میسیها و سکنه جزایر خلیج فارس که شاه نفرات زندانی و آوارگان جنگی را به آنجا تبعید میکرد، حضور داشتند (هرودوت، ۱۳۶۸: ۲۲۴). ایالت چهاردهمی که هرودوت توصیف میکند، ظاهراً مشتمل بر ساحل دو سوی خلیج فارس بوده است. هرودوت در جایی دیگر نیز به جزیره‌نشینان دریای «اریتره» که به ارتش خشایارشا پیوسته بودند، اشاره میکند: «اینان که در جزایری زندگی میکنند که شاه بزرگ کسانی



تصویر شماره ۱: نمای بیرونی غار خریس؛
مأخذ: آرشیو اداره ژئوپارک قشم

راه ورودی به تالار، راهروی تنگ و کوتاه دالان‌مانندی است که به یک سربالایی تند میرسد که بوسیله چهارده پله‌یی که جدیداً تعبیه شده است، وصول به تالاری بشکل مربع مستطیل در بالای سربالایی که مساحت آن $۵/۳۰ \times ۵/۱۵$ متر و با ارتفاع حدود $۲/۵۰$ متر است، ممکن میشود. در میان ضلع شرقی تالار یک ستون سنگی وجود دارد. در سوی راست تالار، اتاقکی با سقف گهواره‌یی شکل و در چپ آن اتاقکی بسیار کوچک‌کنده شده است. نشانه‌هایی از هنر تیشه‌کاری سنگ‌تراشان کهن، هنوز بر روی سقف و بخشی از دیواره‌های جانبی تالار و تنها ستون سنگی تالار بجا مانده است (بلوکباشی، ۱۳۷۹: ۳۲). در دیوارهای جانبی تالار رفه‌ایی با قوسه‌ایی بیضی‌کنده‌اند (تصویر شماره ۲).



تصویر شماره ۲: نمای درونی تالار اصلی غار،
رفه‌ایی با قوس بیضی؛ مأخذ: آرشیو اداره ژئوپارک قشم

دانسته‌اند.^۱ پس از سقوط سلسله هخامنشی به هنگامی که این دریاسالار یونانی (نئارخوس) مسیر دریایی هند را تا شوش میپیمود، در جزیره قشم نیز توقف کرد.

پس از طی سیصد استاد^۲ از نقطه عزیمت (هارموزیا) و پشت‌سر گذاشتن جزیره‌ی خشک و بیابانی، آنها در کنار جزیره‌ی بزرگ و مسکونی کناره گرفتند. جزیره بیابانی، «اورگانا» نامیده میشد و جزیره بزرگتر که در کنار آن لنگر انداختند، «اوآراکتا» نام داشت. در آن، نخلستان و تاکستان وجود داشت و غلات (جو و گندم) از محصولات آنجا بود. طول این جزیره، هشتصد استاد بود. مازانس هیپارخوس (حاکم) جزیره، بعنوان یک ناخدا، داوطلبانه آنها را تا شوش راهنمایی نمود. آنها میگویند مقبره اریتراس، نخستین فرمانروای سرزمین که امروزه این دریا به نام او نامیده میشود، نیز در این جزیره قابل مشاهده است (آریان، ۱۹۳۳).^۳

استرابو نیز از دیدار نئارخوس در اوآراکتا با میتروپاستس خشره پاوان فریگیا که به جزیره اوگوریس تبعید شده بود، یاد میکند. نئارخوس میگوید که میتروپاستس را همراه با مازنس در اوآراکتا ملاقات کرده بود. میتروپاستس پس از ترک جزیره اوگوریس به این جزیره پناه آورده بود (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۷۱).

سلوکیان در کرانه‌های خلیج فارس نه شهر ایجاد کردند که میتواند بازتاب خواست یونانیها برای بوجود آمدن یک کانون دریایی جدید در رأس خلیج فارس، در پیوند با فعالیت‌های بازرگانی باشد (کیان‌راد، ۱۳۹۰: ۶۵). در دوره اشکانیان شواهد و مدارک، حاکی از تعدد کانونهای بازرگانی در دریای پارس است که میناب یکی از کانونهای آن بشمار میرود (همان، ۶۷). نویسندۀ ناشناس کتاب پریپلوس دریای / اریتره^۴ نیز از کنترل و نظارت حکومت ایران در دوره اشکانی بر کشتیرانی خلیج فارس سخن میگوید؛ بطوری که وی قادر به

را که تبعیدی مینامد به آنجا میفرستد، لباس و اسلحه‌ی کمابیش شبیه مایه‌ها داشتند» (سال، ۱۳۸۸: ۱۷۷). وجود تبعیدیان در بسیاری از متون مربوط به تاریخ هخامنشیان تأیید شده است. این تبعیدیها چه بصورت فردی یا گروهی به منتهی‌الیه شاهنشاهی تبعید میشدند (همان: ۱۷۸). آریان نیز در کتاب سوم آناکسیس به‌هنگام برشماری گروهها و اقوامی که سپاه داریوش سوم را در «گوگمل» تشکیل میدادند از گروههای اعزام شده از حوالی خلیج فارس نام میبرد (آریان، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

در دوره هخامنشیان، بخش شمالی خلیج فارس بین ساتراپهای ایران تقسیم شده بود؛ چنانکه میشد از ساحل ایران جزایری، مانند جزیره قشم را (که شاه بزرگ تبعیدیها را به آنجا میفرستاد)، زیرنظر داشت (سال، ۱۳۸۸: ۱۹۲). پس از سرکوب شورش اقوام و ایالتهای شاهنشاهی بوسیله داریوش، اکثریت طوایفی که در شورش و انقلاب شرکت کرده بودند، جابجا و تبعید شدند که در این میان عده‌ی از مایه‌ها را به جزائر خلیج فارس تبعید کردند (توین‌بی، ۱۳۷۹: ۶۰). جزایری که مایه‌های تبعیدی به آنجا گسیل شده بودند، بدون تردید همان جزایری بود که به موازات ساحل قرار داشت که بزرگترین آنها قشم بود. داریوش با اسکان مایه‌های ناراضی در این جزایر از روی نهایت درایت و آگاهی در یک زمان به دو هدف میرسید. از یک سو گروهی از شورشیان را با تبعید، تنبیه میکرد و از سوی دیگر با اسکان آنان در این نواحی، تسلط و حاکمیت شاهنشاهی خود را بر این سواحل استحکام میبخشید (همان: ۱۰۸). هرودوت نیز در کتاب هفتم هنگامی که به وصف سربازان بومی سپاه هخامنشیان به‌هنگام لشکرکشی خشایارشا به یونان میپردازد، میگوید سربازان جزایر خلیج فارس (کسانی که بعنوان تبعیدی به این جزایر فرستاده شده بودند)، کمابیش مثل مایه‌ها مسلح بودند (هرودوت، ۱۳۶۸: ۳۷۸).

بجز منابعی که نام برده شد، تنها متنی که بصراحت از جزیره قشم نام میبرد، سفرنامه نئارخوس است. نئارخوس در سفرنامه‌اش از جزیره‌ی به نام «اوآراکتا» نام برده است که بیشتر محققین ایرانی و خارجی آن را با جزیره قشم برابر

۱. از میان محققین داخلی محمدباقر وثوقی، حسین نوربخش، علی بلوکباشی و... و از میان پژوهشگران خارجی نیز دانیل پاتس اسامی پژوهشگران مختلفی را برشمرده است (Potts, 2013:5).

2. Stadia

3. Arrian 1933, Book VIII37

4. The Periplus of the Erythraean Sea

«تل‌بالا» و «دم» در حاشیه شمال شرق و شمال غرب جزیره قشم ساخته شد (بابک‌راد، ۱۳۵۰: ۱۱).

بررسی انتساب غار خربس به دوره ماد

غار خربس را متعلق به ادوار متفاوت تاریخی دانسته‌اند. برخی معتقدند که با بررسی اجمالی جزئیات داخلی آن می‌توانیم این بنا را منسوب به دوره مادها بدانیم؛ چرا که این مجموعه از نظر نماسازی داخلی و فرم معماری صخره‌یی با معبد یا آرامگاه صخره‌یی «کلات خورموچ»، واقع در دامنه کوه «موند» در منطقه دشتی و تنگستان شباهت بسیار دارد. بدلیل همجواری این غار با شهر باستانی خربس، این احتمال که بنای مذکور یک نیایشگاه و یا یک آرامگاه بوده است، تقویت می‌شود؛ همچنین این موضوع نشان از وجود حکومتی مشخص و تمدنی شهرنشین، در این جزیره در دوره مادها (پاکدامن، ۱۳۶۴: ۱۸) و مبین آبادانی قشم در این دوره است (نوربخش، ۱۳۶۹: ۱۵). گوردخمه‌هایی که در شمال غربی ایران، بویژه در کردستان و آذربایجان امروزی و سلیمانیة عراق شناسایی شده‌اند، نخستین‌بار بوسیله ارنست هرتسفلد^۱ همگی تحت‌عنوان آرامگاه‌های مادی معرفی شده‌اند. با این حال این مقبره‌ها با اطمینان تاریخی‌گذاری نشده‌اند و شاید هم بعضی از آنها به دوران هخامنشی و حتی دورانی جدیدتر تعلق داشته باشند (سرفراز، ۱۳۸۱: ۶۳). برخی معتقدند که گوردخمه‌های منسوب به دوره ماد (که در منابع باستان‌شناسی به آنها اشاره می‌شود) از نظر توزیع جغرافیایی، طرح و عناصر معماری، شیوة تدوین و تاریخ ساخت، همگون نبوده و قراردادن تمامی آنها در یک گروه و مقطع تاریخی خاص نادرست است (ملازاده، ۱۳۹۳: ۳۸۶). به عقیده یک باستان‌شناس، دخمه‌های سنگی ساده و کوچک را که فاقد قبر و هر نوع ویژگی خاص معماری یا هنری هستند، می‌توان در قالب دوره وسیعتری از اواخر دوره هخامنشی تا دوره اشکانی و حتی فراتر از آن قرار داد (همان: ۳۸۸). هرچند به سبب سنگ‌تراشی نامطلوب این گورها در قبال گورهای تخت‌جمشید و نقش رستم، آنها را متعلق به زمان ماد پنداشته‌اند؛ اما اینها تنها تقلیدی از گورهای هخامنشی

نقشه‌برداری از خشکی و آب خلیج فارس بطور مستقیم نبوده است (باسورث، ۱۳۹۰: ۱۹۱).

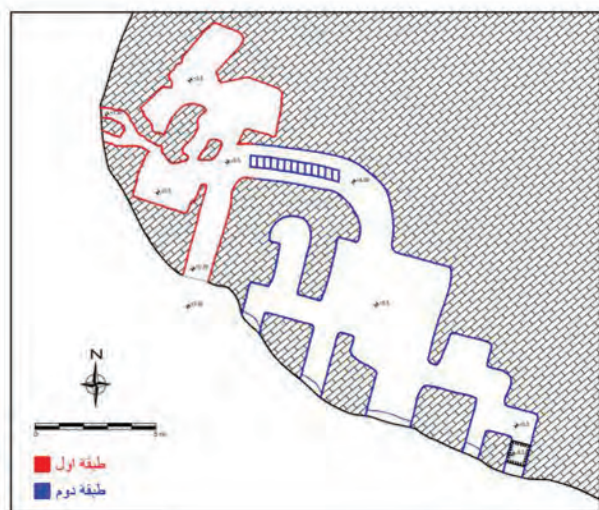
در یک بررسی اجمالی از تحقیقات باستان‌شناسی دوره اشکانی در جزیره قشم، مدارکی بدست آمده است که از افزایش چشمگیر فعالیتها و استقرارهای دوره پارتی در جزیره قشم حکایت میکند. این افزایش در تعداد محوطه‌ها و گورستانها، نسبت به دوره آهن و هخامنشی رخ میدهد که نشانگر گسترش تجارت دریایی در این دوره است. در شماری از محوطه‌ها شواهدی مبنی بر وجود کارگاهها و فعالیت‌های صنعتی وجود دارد. مبنای معیشت زیستی ساکنان جزیره قشم در این دوره، علاوه بر منابع دریایی، کشت گندم، جو و درختان نخل بوده است (خسروزاده، ۱۳۹۲: ۹۶). محوطه‌ها در این دوران، نسبت به گذشته بزرگتر شده‌اند و تمامی استقرارهای این دوران، بشکل روستاهای کوچک و بزرگ یکجانشین و یا محوطه‌های ساحلی هستند (همان: ۷۹) و آثار مربوط به عصر پارتها در خربس که شامل سفالهای خاص این دوره است و مخصوصاً مهرابه (میترائوم) زیبایی که در دل کوهسار خربس کنده‌اند، یادگاری از سکونت اقوام اشکانی در قشم است (بابک‌راد، ۱۳۵۰: ۸).

با روی کارآمدن حکومت ساسانیان توسط اردشیر بابکان در نیمه اول قرن سوم میلادی، خلیج فارس اهمیت خاصی نزد آنها پیدا کرد. مهمترین عامل توسعه اقتصادی ساسانیان، تسلط بر خلیج فارس و بنادر و جزایر آن بوده است. دوره حکومت اردشیر اول و شاپور اول شاهد رشد، گسترش و توسعه شهرنشینی در پس‌کرانه‌های خلیج فارس، مقابله با حکومت‌های محلی، سدکردن قدرت رو به گسترش رومیها به سمت بین‌النهرین و خلیج فارس و رونق تجارت با هندوستان بوده است (وثوقی، ۱۳۸۹: ۳۲). هنگامی که امپراتوری روم به اطراف آنها راه یافت و ارتباط و تجارت را دشوار کرد، خلیج فارس راهی بود که ایرانیان را به آنها، سرزمین‌ها و اقوامی در آن سوی همسایگان‌شان پیوند داد (دریایی، ۱۳۹۰: ۱۱۲). در عصر ساسانیان شهرهای بزرگ و آبادی از جمله خربس در جزیره قشم بوجود آمد که در حال حاضر این مناطق، ویرانه‌هایی بیش نیستند. همچنین در این دوره سدهای عظیمی، مانند

ایران معروف است، هیچ شاهد قطعی بدست نیامده و تنها تشابهات ظاهری، رهنمون پژوهشگران برای اظهار نظر دربارهٔ هویت آنها شده است (همان: ۱۰۳-۱۰۶).

اینک باتوجه به معیارهای شباهت بین معابد مهری و میترائوم، غارخرس را با این معیارها بررسی میکنیم. بنا به موقعیت مکانی آشکارترین همانندی مهرابه‌ها با میترائومها، استقرار در نزدیکی آب، رودخانه، نهر یا چشمه است (همان: ۱۰۳). در این مورد غارخرس هم به دریا نزدیک است و هم در حدفاصل بین شهر و نیایشگاه مهر، یک مخزن آب بزرگ وجود دارد که میگویند مربوط به دورهٔ ساسانیان است (نوریخس، ۱۳۶۹: ۳۲۴). از جنبهٔ فرم هم، همهٔ مهرابه‌ها و میترائومها از فرم غارمانند برخوردارند (لباف خانیکی، ۱۳۹۱: ۱۰۴) که غارخرس هم از این لحاظ مستثنی نیست.

از لحاظ سازمان فضایی الگوی سازماندهی کلی فضاها در میترائومها و مهرابه‌ها بصورت خطی است؛ یعنی فضاها اصلی در یک محور سازمان یافته‌اند و گاهی فضاها جانبی به مناسبت ایفای کارکردی خاص به محور اصلی افزوده شده‌اند. از اینرو در سازماندهی فضایی میتوان در کل، تقارن نسبت به محور طولی را مشاهده کرد (همان: ۱۰۴) که غارخرس فاقد این ویژگی است.



نقشهٔ شمارهٔ ۱: پلان غار خرس؛
مأخذ: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی منطقهٔ آزاد قشم

هستند و باید آنها را متعلق به اواخر دورهٔ هخامنشی دانست و نمیتوانند متعلق به دورهٔ مادها باشند (فرای، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

بررسی انتساب غار خربس به نیایشگاه مهر

فروریوس روایت میکند که زرتشت نخستین کسی است که مکانی مقدس را برای گرامیداشت میترا (میترا) جهان‌آفرین برپا کرده است. او در مناطق کوهستانی ایران، غاری طبیعی را که در آن گله‌ها و چشمه‌ها وجود داشت، چنان سامان داد که تصویری از کیهان شد. در درون غار نماد سیاره‌ها و جهت‌های آسمان تدارک دیده شده بود (مرکلباخ، ۱۳۸۷: ۱۵۷). از چنین نوع غاری در فرانسه و آلمان و... تعدادی یافته‌شده و صورت میترا (در حالی که مشغول ذبح گاو مقدس است)، روی جدار سنگی غار کنده شده است. غار نشانهٔ گنبد آسمان است و به‌همین علت طاق پرستشگاه، معمولاً محدب و مزین به نقش ستاره‌هاست (ورمازن، ۱۳۸۰: ۴۵). در ایتالیا هم اکثریت مطلق مهرابه‌ها زیرزمینی هستند؛ یعنی یا درون صخره‌یی عظیم حفر شده‌اند یا از غارهای سنگی طبیعی استفاده شده و یا بناهای زیرزمینی یا نیمه‌زیرزمینی را برای مهرابه تعمیر و آماده کرده‌اند (لاوانی، ۱۳۸۵: ۳۱۳). منابع مختلف هم بر این باورند که غارهای خربس نیز نیایشگاه مهر و محلی برای ستایش الههٔ میترا بوده است (نگهبان، ۱۳۹۱: ۲۴)، بدین‌دلیل که معمولاً غارهایی از این نمونه را در ایران به سبب شباهتشان با میترائومهای رومی منتسب به الههٔ مهر میدانند. ویژگی بارز دستکند و غارمانند بودن معابد میترای در اروپا سبب شده است که هر فضای معماری را که در ایران به این سبک و سیاق پدید آمده، معبد مهری معرفی کنند. این درحالی است که هیچ‌یک از شواهد دیگری که در میترائومهای رومی یافت شده، در این آثار شناسایی نشده است (لباف خانیکی، ۱۳۹۱: ۱۰۰-۱۰۱). تطبیق و مقایسهٔ میترائومهای رومی و آنچه، بعنوان مهرابه‌های ایرانی معرفی شده است، وجوه تشابه و تفاوت میان این دو گروه معبد منسوب به پرستش مهر را آشکار می‌سازد (همان: ۱۰۳). شباهت‌های این دو را میتوانیم در موقعیت مکانی، فرم، سازمان فضایی، سیرکولاسیون حرکتی، سلسله‌مراتب فضایی، مجاورت فضایی و نفوذپذیری و میزان دسترسی بدانها دسته‌بندی کنیم. هرچند که در آنچه بعنوان معابد مهری در

اصلی در غار خربس پس از راهرو اصلی و پیش‌تالار قرار دارد و میزان نفوذپذیری و دسترسی اندکی دارد. در اینجا مشاهده میشود که باتوجه به معیارهایی که برای یک همراه به‌شمرده شد، غار خربس با بیشتر این معیارها بجز یک مورد مطابقت دارد و براساس این معیارها میتوان غار خربس را در ردیف غارهای مهری قرار داد.

نتیجه‌گیری

غار دستکند خربس که بخشی از آن بر اثر نفوذ آب بوجود آمده است، در دوره‌های تاریخی توسط انسانها توسعه داده شده و بر آن افزوده شده است. گرچه برخی این غار را به دوره‌های مادها منتسب میدانند؛ ولی با توجه به این که انتساب اینگونه غارها به دوره‌های مادها از طرف پژوهشگران مورد تردید واقع شده است، تعلق این غار به دوران ماد خالی از اشکال نیست و ممکن است، متعلق به دوران بعد از آن باشد. در مورد کاربرد مذهبی این غار و تعلق آن به نیایشگاه مهر با توجه به بررسیهای صورت گرفته و مقایسه، بین این غار با معیارهای همراه‌های مهری و باتوجه به معیارهایی که یک نیایشگاه مهری میتواند داشته باشد، به احتمال زیاد این غار یک نیایشگاه مهری و در اختیار مهرپرستانی بوده است که در دوره‌یی از تاریخ جزیره قشم در این نقطه از جزیره زندگی میکرد و براساس اعتقادات خود از این غار بهره میگرفته‌اند؛ هرچند انتساب قطعی این غار به دوره‌یی خاص احتیاج به بررسی و کاوشهای بیشتری دارد تا پرده از حقیقت رازآمیز این غار برداشته شود.

منابع فارسی

کتاب

- آریان؛ لشکرکشی اسکندر، ترجمه انگلیسی اوبری دو سلینکورت، ترجمه محسن خادم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۸.
- استرابو؛ سرزمینهای زیرفرمان هخامنشیان در جغرافیای استرابو، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشاری‌زدی، ۱۳۸۲.
- امری کاظمی، علیرضا؛ اطلس ژئوتوریسم قشم (نگاهی به پدیده‌های زمین‌شناسی قشم)، تهران: سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور، ۱۳۸۳.

سیرکولاسیون^۱ حرکتی در معابد مهری از الگوی خطی پیروی میکند، پس از ورود به پیش‌تالار، حرکت به سوی تالار هدایت میشود و سیر حرکتی به فضای اصلی در انتهای محور طولی مجموعه پایان میپذیرد. حرکت به سمت فضاهای جانبی نیز از طریق پیش‌تالار میسر است (همان: ۱۰۴). در غار خربس نیز پس از راهروی ورودی پیش‌تالار قرار دارد و از طریق این پیش‌تالار، وارد تالار اصلی میشویم (نقشه شماره ۱). از نظر سلسله‌مراتب فضایی در معابد مهری، انتهایی‌ترین فضا که همان جایگاه مقدس است یک یا چند پله از فضای قبلی ارتفاع مییابد که دارای بیشترین تزئینات و از سقف مرتفع‌تری برخوردار است و نورگیری بیشتری هم دارد (همانجا). در غار خربس تالار اصلی که با چهارده پله از پیش‌تالار جدا میشود، دارای سقفی بلند به ارتفاع ۲/۵۰ است و دریچه‌های بیشتری برای نورگیری دارد (تصویر شماره ۳).



تصویر شماره ۳: دریچه‌های نورگیر تالار اصلی؛ مأخذ: آرشیو اداره ژئوپارک قشم

منظور از مجاورت فضایی این است که فضای اصلی که در انتهای مجموعه قرار گرفته با تالار میانی مجاورت دارد و این تالار از یک‌سو با فضای اصلی و از سوی دیگر با فضای مجاور مدخل ورودی ارتباط مییابد (همانجا) که در غار خربس نیز چنین است. نفوذپذیری هریک از فضاهای همراه‌ها نیز از الگوی یکسانی تبعیت میکند. در همراه‌ها فضای اصلی یا جایگاه مقدس از کمترین درجه نفوذپذیری برخوردار است که این امر ناشی از اهمیت بالای این فضا است (همان: ۱۰۵). تالار

1. Circulation دسترسی، گردش

- باسورث، ادموند کلیفورد؛ *نامگذاری خلیج فارس*، ترجمه منصور چهرازی، پژوهشنامه خلیج فارس، دفتر دوم، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۰.
- بلوکباشی، علی؛ *جزیره قشم صدف ناشکافته خلیج فارس*، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۹.
- پاکدامن، رحمت الله؛ *قشم جزیره‌یی آشنا*، بندرعباس: سازمان برنامه و بودجه استان هرمزگان، ۱۳۶۴.
- توین‌بی، آرنولد؛ *جغرافیای اداری هخامنشیان*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۹.
- دریایی، تورج؛ *حضور ایرانیان در خلیج فارس و شبه‌جزیره عربستان*، ترجمه احمد فضلی‌نژاد، پژوهشنامه خلیج فارس، دفتر سوم، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۰.
- دژگانی، فاطمه؛ *قشم نگینی بر خلیج فارس*، تهران: انتشارات سیروان، ۱۳۸۴.
- دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ؛ *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، شرکت تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
- رائین، اسماعیل؛ *دریانوردی ایرانیان*، تهران: سازمان انتشارات جاویدان، ۲۵۳۶.
- سال، ژان فرانسوا؛ *هخامنشیان در خلیج فارس*، تاریخ هخامنشیان (جلد چهارم): مرکز و پیرامون، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: نشر توس، ۱۳۸۸.
- سرفراز، علی‌اکبر؛ *فیروزمندی، بهمن؛ باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی: ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی*، تهران: نشر عفاف، ۱۳۸۱.
- فرای، ریچارد نلسون؛ *تاریخ باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
- کیان‌راد، حسین؛ *«کانونهای بازرگانی دریای پارس در دوره اشکانی»*، پژوهشنامه خلیج فارس، دفتر سوم، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۰.
- گیرشمن، رومان؛ *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- لاوانی، هانری؛ *اهمیت غار در میتراپرستی غرب*، دین مهر در جهان باستان (مجموعه گزارشهای دومین کنگره بین‌المللی مهرشناسی)، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: نشر توس، ۱۳۸۵.
- مرکلباخ، راینهولد؛ *میترا آیین و تاریخ*، ترجمه توفیق گلی‌زاده، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۷.
- ملازاده، کاظم؛ *باستان‌شناسی ماد*، تهران: سمت، ۱۳۹۳.
- نگهبان، محمد؛ جمادی، عارف؛ *معماری قشم*، تهران: نشرماه و ما، ۱۳۹۱.
- نوربخش، حسین؛ *جزیره قشم و خلیج فارس*، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- وثوقی، محمدباقر؛ *علل و عوامل جابجایی کانونهای تجاری در خلیج فارس*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۸۹.
- ورمازن، مارتین؛ *آیین میترا*، ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۰.
- هروودت؛ *تورخ*، ترجمه و حواشی ع، وحید مازندرانی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۸.

مقاله

- اشرفی، مهناز؛ «پژوهشی در گونه‌شناسی معماری دستکند»، *نامه معماری و شهرسازی*، شماره هفتم، ۱۳۹۰، ص ۴۷-۲۵.
- بابک راد، جواد؛ *آثار ساسانی خلیج فارس «جزیره قشم»*، *بررسیهای تاریخی*، شماره چهارم، ۱۳۵۰، ص ۱-۳۰.
- چوبک، حمیده؛ «معماری دستکند دژ الموت»، *اثر*، شماره ۵۸، ۱۳۹۱، ص ۴۷-۵۸.
- حقیقت نائینی، غلامرضا؛ «تأثیر عوامل محیطی، اقتصادی و فرهنگی بر شکل‌گیری فضایی سکونتگاههای دستکند»، *اثر*، شماره ۵۸، ۱۳۹۱، ص ۵۹-۶۸.
- خسروزاده، علیرضا؛ «محوطه‌ها و استقرارهای اشکانی جزیره قشم»، *پژوهشهای باستان‌شناسی ایران*، شماره پنجم، ۱۳۹۲، ص ۷۹-۱۰۰.
- لباف خانیکی، میثم؛ «تحلیل تطبیقی یک فرم خاص در معماری دستکند: مهرابه‌های ایرانی و میتراومهای رومی»، *اثر*، شماره ۵۸، ۱۳۹۱، ص ۹۳-۱۰۸.

منابع انگلیسی

- Arrian, *Anabasis Alexandri*: Book VIII (Indica). Tr. E. Iliff Robson, 1933.
- D.T. Potts, The islands of the XIVth satrapy. In *fest-schrift for Getzel Cohen*. Edited by R. Oetjen and F. Ryan. Stuttgart: steiner verlag, 2013.
- <http://legacy.fordham.edu/halsall/ancient>